

## بررسی وضعیت و تحولات مشارکت اجتماعی در ایران

مجید فولادیان<sup>۱</sup>، حسن رضایی بحرآباد<sup>۲</sup>، محسن سوهانیان حقیقی<sup>۳</sup>

مشارکت، مفهومی است چندبعدی و پیچیده که هر جامعه‌ای نسبت به قوام خود، از سطوح مختلفی از آن در ابعاد مختلف برخوردار است. طبق برخی تعاریف مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر، روستا و کشور شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند. بر همین اساس، جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی‌شان را محکم نمایند و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری نمایند. از این رو تشویق به امر مشارکت و تسهیل در فرایند تحقق و تحولات آن در تمام اقشار جامعه، همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و مصلحان اجتماعی بوده است و دولت‌ها دریافته‌اند که مشارکت می‌تواند چه در شکل‌آزایی و چه در شکل‌گیری خود، به دلایل زیادی برای توسعه همه‌جانبه بسیار ارزشمند باشد.

ولی عملی کردن و افزایش مشارکت به سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع دید و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلیات و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته جامعه و ... بر پذیرش یا عدم پذیرش یا نحوه اجرای مشارکت مؤثرند. بنابراین هر جامعه‌ای بر حسب عوامل و شرایط ذکرشده، موقعیتی خاص در سطوح گوناگون مشارکت دارد. این نوشتار به دنبال بررسی تحولات مشارکت اجتماعی در ایران در چند دهه اخیر است. در این پژوهش با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق، روش ما یک مطالعه طولی و ملی بوده است که بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های کمی متغیرهای مورد مطالعه در بازه زمانی سال‌های ۹۴-۱۳۵۳ انجام می‌گیرد. دلیل اصلی استفاده از این روش، وسعت موضوعی و نظری پژوهش حاضر می‌باشد. انجام یک مطالعه طولی، آن هم مطالعات طولی که در ارتباط با سیر تحولات

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد؛ Fouladiyan@um.ac.ir

۲. دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد؛ Rezaeebahrad@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی از دانشگاه فردوسی مشهد

یک جامعه صورت گیرد، جز با پشتوانه پیمایش‌های ملی گوناگون در بازه‌های زمانی مختلف نمی‌تواند انجام گیرد. به همین دلیل در این پژوهش در مجموع از داده‌ها و جداول حدود سیزده پیمایش ملی که طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ انجام شده، استفاده گردیده است.

در مجموع، دو روش اصلی برای تحلیل ثانویه داده‌ها در این پژوهش وجود داشته است: در روش اول، داده‌ها قبلاً توسط شخص دیگری گردآوری شده‌اند، یا به قصد جمع‌آوری اطلاعات کلی مثل سرشماری‌های دولتی یا سایر آمارهای رسمی یا برای پروژه پژوهشی خاصی. در هر دو مورد، هدف اصلی از جمع‌آوری چنین داده‌هایی با مقاصد و اهداف استفاده‌کنندگان ثانوی تفاوت دارند. داده‌های ۵ پیمایش در این سطح، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در روش دوم، داده‌های دست سوم یا توسط پژوهشگری تحلیل شده‌اند که آنها را تولید کرده و یا توسط تحلیلگر داده‌های ثانویه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این حالت ممکن است دیگر داده‌های خام در دسترس نباشند بلکه فقط نتایج این تحلیل‌ها در اختیار باشد. در پژوهش حاضر از نتایج و جداول ۸ پیمایش ملی جهت انجام تحلیل ثانویه و مطالعه طولی کمک گرفته شده است.

طبق تعاریف و مبانی نظری، سه نوع مشارکت اجتماعی در سه سطح کلان، میانه و خرد (ملی، مدنی و خانوادگی) از یکدیگر تفکیک شده‌اند که وضعیت هر یک از آنان در این پژوهش بررسی شده است. برای تبیین نظری روند تغییرات انواع مشارکت در طی ۴-۳ دهه اخیر، دو نوع رویکرد می‌توان داشت:

نخست اینکه شاخص‌ها و معرف‌هایی که برای سنجش هر کدام از سطوح مشارکت در هر یک از پیمایش‌های ملی استفاده شده است را یکسان فرض کنیم (حال آنکه واقعاً این چنین نیست) و بنابراین برای تبیین و توضیح تغییرات مشارکت در طول زمان، فقط به عوامل اجتماعی عینی و ذهنی که در طول این سال‌ها اتفاق افتاده است، رجوع کنیم.

دوم اینکه با در نظر گرفتن تفاوت جزئیات شاخص‌های ساخته شده (چه توسط مجریان پیمایش‌ها و چه توسط محققانی که تحلیل ثانویه انجام می‌دهد)، ضمن در نظر گرفتن عوامل اجتماعی فوق‌الذکر، به عوامل کاهنده یا افزایش‌دهنده شاخص‌های مشارکت که در اثر تغییرات تعریف و شاخص‌سازی مشارکت در هر یک از پیمایش‌ها بوجود آمده است، اشاره کنیم.

در شمایی کلی می‌توان دریافت که مشارکت ملی (آمادگی برای شرکت در دفاع یا سازندگی) با میانگین ۶۲/۵۳ درصد غالب‌ترین نوع مشارکت اجتماعی طی این سال‌ها در میان

## بخش اول: چکیده مقاله‌ها ■ ۲۹۷

ایرانیان بوده است. پس از آن، مشارکت مدنی (عضویت در حداقل یک نهاد مدنی) با میانگین ۴۸ درصد بیشترین گسترش را در میان مردم ایران دارد. مشارکت در خانواده (تصمیم‌گیری جمعی) با میانگین ۴۲/۶۸ درصد در رده بعدی قرار دارد.

اگرچه مشارکت ملی در تعریف این نوشتار ناظر به آن دسته از فعالیت‌های افراد در عرصه ملی است که کلیت سرزمین را در برمی‌گیرد و متأثر از جریان‌ات و اتفاقات سیاسی نیست، با این وجود نمی‌توان روند تغییرات آن را بدون توجه به این جریان‌ات و اتفاقات توضیح داد. بر همین اساس به خوبی می‌شود ارتباط تحولات مشارکت ملی طی چند دهه اخیر را با وقایع و تحولات سیاسی و اجتماعی نشان داد.

همچنین با توجه به تغییرات ساختاری اجتماعی - سیاسی عمیقی که در طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب روی داده است و همچنین رویکرد دولت‌های هفتم و هشتم بعد از انقلاب (دولت اصلاحات) در تقویت جامعه مدنی و مشارکت اجتماعی (مانند افزایش سازمان‌های غیردولتی، تشکیل شوراهای شهر و روستا و ...)، روند تغییرات افزایشی مشارکت مدنی جامعه ایران در این سال‌ها را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر به دنبال افزایش شهرنشینی، تحصیلات، حضور و مشارکت عمومی زنان در امور جامعه، رشد گفتمان حق‌محور و مشارکت‌طلب (خصوصاً بعد از جنبش اصلاحات) و ... الگوی خانواده‌های ایرانی از شیوه‌های سنتی و مردسالارانه به سمت شیوه‌های برابرخواهانه و مشارکت‌جویانه تغییر کرده است، بنابراین شاخص مشارکت در خانواده‌های ایرانی با شیب نسبتاً بالایی افزایش یافته است.

**واژگان کلیدی:** مشارکت اجتماعی، همبستگی، فروپاشی، جامعه ایران